

جهانی شدن و توسعه پایدار

چکیده

جهانی شدن مجموعه‌ای از فرایندهای چندبعدی و پیچیده است که عرصه‌های متعددی از جمله اقتصاد، ایدئولوژی، سیاست، فرهنگ و محیط زیست را در برمی گیرد و موجب افزایش وابستگی کشورهای جهان به یکدیگر می شود. از منظر اقتصادی، سیر تاریخی جهانی شدن را می توان به چهار مرحله داخلی، بین المللی، چندملیتی و جهانی تفکیک کرد. از منظر جهان بینی نیز چهار نوع طرز تفکر خودمحموری، چندمحموری، منطقه محوری و جهان محوری در روند جهانی شدن مشاهده می شود. جهانی شدن دارای اثرات مثبت و منفی است و موافقان و مخالفان زیادی دارد. اصولاً طرز تلقی و نگرش نسبت به جهانی شدن بستگی به این موضوع دارد که فرد، گره و یا جامعه خاص از وضعیت به وجود آمده، منتفع و یا متضرر شده باشد. بدیهایی که برای جهانی شدن مطرح شده اند عبارت اند از: جنبش ضد جهانی شدن، جهانی شدن اصلاح شده و فلسفه توسعه پایدار.

عقلانی ترین بدیل برای جهانی شدن، توسعه پایدار است که هم زمان با توسعه اقتصادی و پیشرفت اجتماعی بر ضرورت توجه به محیط زیست و حفظ منابع طبیعی نیز تاکید می نماید. توسعه پایدار را می توان مدیریت روابط سیستم های انسانی و اکوسیستم های طبیعی باهدف استفاده پایدار از منابع در جهت تأمین رفاه نسل های حال و آینده تعریف کرد واقعیت ها حاکی از آن است که دخالت های نسنجیده بشر و بهره گیری افراطی از منابع طبیعی، نظم اکوسیستم را مختل کرده است. ازاین رو لازم است که کلیه کشورهای جهان، از فرصت ها و امکانات برآمده از روند جهانی شدن بهره گیری کنند و با اعمال نفوذ در روند مزبور، آن را در مسیر توسعه پایدار هدایت نمایند.

کلیدواژه ها: جهانی شدن، توسعه پایدار، خودمحموری، جهان محوری، فقرزدایی، کارایی اکولوژیکی، ممیزی اکولوژیکی، تولید بدون پسماند، هزینه های زیست محیطی.

تعریف جهانی شدن

جهانی شدن مجموعه ای از فرایندهای چندبعدی و پیچیده است که عرصه های متعددی از جمله اقتصاد، ایدئولوژی، سیاست، فرهنگ و محیط زیست را در برمی گیرد. منطق جهانی شدن اساساً در منطق سرمایه داری؛ یعنی حفظ و بسط فرایند تکاثر سرمایه ریشه دارد و ازاین رو اقتصاد در جبهه مقدم فرایند جهانی شدن قرار می گیرد.

در این عرصه، جهانی شدن عبارت است از ادغام شتابان اقتصادهای محلی و ملی در اقتصاد جهانی، ادغامی روبه رشد که با جریان کالاها و خدمات، سرمایه، فناوری، و اطلاعات در فراسوی مرزهای ملی همراه است. با بسط گستره دید می توان روند جهانی شدن را در سایر عرصه های زندگی بشر نیز مشاهده کرد. ارتباطات و تعامل های ملت ها علاوه بر زمینه های اقتصادی به سایر حوزه های فعالیت نیز تسری یافته و فعالیت های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، محیطی، علمی، مذهبی و حتی ورزشی را دربر گرفته است.

جهانی شدن یک جریان مستمر از مسیر تاریخی بین المللی شدن

است که موجب افزایش وابستگی کشورهای جهان به یکدیگر از ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و به ویژه زیست محیطی شده است. به قول مانوئلا لوکاس، جهانی شدن موجب شده که مشکل شما مشکل ما بشود. جنگ در یک کشور هجوم پناهندگان به کشورهای دیگر را در پی آورد و مسائل زیست محیطی در یک کشور مسبب بروز فاجعه در سایر کشورها شود. از نگاهی دیگر، می توان جهانی شدن را راهبرد کشف فرصت ها در نقاط مختلف جهان و استفاده از آنها به منظور بهینه سازی فعالیت های یک مؤسسه قلمداد کرد.

سیر تکاملی

روند تاریخی و سیر تکاملی جهانی شدن از چهار منظر قابل بررسی است:

- ۱- منظر اقتصادی؛
- ۲- منظر جهان بینی؛
- ۳- منظر فرهنگی؛
- ۴- منظر تنوع کنشگران؛

از منظر اقتصادی سیر تاریخی جهانی شدن را می توان به چهار مرحله عمده تفکیک کرد:

مرحله داخلی که کلیه فعالیت های مؤسسه در داخل کشور متمرکز است؛ مرحله بین المللی که طی آن مؤسسه رقابت با کشورهای دیگر را در برنامه کاری خود قرار می دهد و یک واحد امور بین المللی در چارت سازمانی خود به وجود می آورد؛ مرحله چندملیتی که قلمرو فعالیت مؤسسه وسیع تر شده و شعبی در سایر کشورها ایجاد می شود؛ و مرحله جهانی که طی آن راهبرد مؤسسه بعد جهانی می گیرد و شعب آن در سطح جهان به صورت یکپارچه عمل می کنند و منابع مورد نیاز خود را با حداقل هزینه از سراسر دنیا تأمین می نمایند.

از منظر جهان بینی می توان چهار نوع طرز تفکر را در مسیر تاریخی جهانی شدن متمایز کرد:

(۱) خودمحوری، (۲) چندمحوری، (۳) منطقه محوری؛ و (۴) جهان محوری

در مرحله خودمحوری نوعی اعتقاد به برتری ذاتی افراد، سیستم ها و روش های کاری کشور مبدأ وجود دارد.

در مرحله چندمحوری تفاوت های فرهنگی کشورهای دیگر به تدریج مطرح می شوند و از نظرات مدیران بومی استفاده بیشتری به عمل می آید، در مرحله منطقه محوری جهت گیری های منطقه ای آغاز می شوند و در مرحله جهان محوری با اتخاذ نگرش سیستمی از نظرات خوب و سازنده کل مجموعه بهره گیری می شود.

از دیدگاه فرهنگی نیز چهار مرحله قابل تشخیص است در مرحله اول عامل تفاوت های فرهنگی در تولید کالاها لحاظ نمی گردد و ضرورتی برای توجه به ترجیحات بومی کشورها احساس نمی شود. در مرحله دوم به حساسیت های فرهنگی و راه های متنوع در سایر کشورها توجه می شود. در مرحله سوم، افزایش رقابت در قیمت موجب بی توجهی مجدد به عوامل فرهنگی شده و در مرحله چهارم فرهنگ مصرف کننده و تأمین نیازهای مشتریان با حداقل هزینه مجدداً مورد عنایت واقع می شود.

سیر تاریخی جهانی شدن از منظر تنوع کنشگران نیز قابل توجه است. در مرحله اول شرکت ها و طرف خارجی آنها به عنوان دو فعال عمده در صحنه حضور دارند و شرایط کار و مبادله را بین خود تنظیم می کنند. در مرحله دوم دولت میزبان به عنوان فعال و بازیگر سومی مطرح می شود و از طریق تنظیم قوانین و مقررات، در شرایط مبادله دخالت می کند. در مرحله سوم دولت های کشورهای مبدأ نیز به عنوان بازیگر چهارم در عرصه فعالیت های بین المللی حضور یافته و فعالیت می کنند و در مرحله چهارم علاوه

بر کنشگران قبلی، گروه های ذی نفوذ متعددی ابراز وجود می کنند (مانند حامیان محیط زیست، اتحادیه های اقتصادی و...) و به عنوان بازیگران جدید در عرصه فعالیت های جهانی مشارکت می نمایند.

اثرات جهانی شدن

جهانی شدن مدافعان و مخالفان زیادی دارد. اصولاً طرز تلقی و نگرش نسبت به جهانی شدن بستگی به این موضوع دارد که فرد، گروه یا جامعه خاص از وضعیت به وجود آمده، منتفع و یا متضرر شده باشد. با مروری بر متون و نوشته های موجود، می توان اثرات مثبت و منفی جهانی شدن را به شرح زیر توصیف نمود:

الف- اثرات مثبت

یکپارچگی بازارهای جهانی از طرقی مانند کاهش موانع تجاری، بهبود ارتباطات و سرمایه گذاری مستقیم خارجی، امکان جریان آزاد سرمایه را بین کشورهای مختلف جهان فراهم می آورد و این امر ممکن است سبب تسریع رشد اقتصادی کشورها شود. موافقان جهانی شدن بر این باورند که کشورهای در حال توسعه از این طریق می توانند بر سرعت توسعه خود بیفزایند.

جاگدیش باگواتی^۱ از مشاوران سازمان ملل معتقد است که جهانی شدن یک نیروی بسیار قوی و مؤثر در رهاسازی کشورها از ورطه فقر و ناداری است زیرا موجب تسریع رشد اقتصادی آنها می شود. به نظر او در اثر جهانی شدن، برای کارگران آموزش دیده کشورهای در حال توسعه

حق انتخاب بیشتری فراهم شده است و این کارگران می توانند برای دریافت دستمزد بالاتر در بازار جهانی رقابت کنند و از شرایط کاری بهتری بهره مند شوند.

دسترسی بیشتر و آسان تر مردم جهان به کالاهای سایر کشورها، ظهور بازارهای مالی و امکان بهره گیری از منابع اعتباری خارجی، ایجاد بازار مشترک جهانی که تحت تأثیر آزادی تبادل کالاها و خدمات به وجود آمده است و امکان رقابت در بازار مشاغل جهانی از پیامدهای مثبت جهانی شدن قلمداد شده اند.

در عرصه سیاسی، جهانی شدن تحولاتی در اقتدار دولت ها پدید آورده و به نظم بخشی به روابط بین حکومت ها پرداخته است.

در زمینه های فرهنگی، امکان دسترسی به تنوع فرهنگی در اثر جهانی شدن افزایش یافته این امر به ارتقا درک و تفاهم متقابل بین افراد کمک کرده است. در عرصه اجتماعی نیز جهانی شدن به بسط و گسترش سازمان های مردم نهاد به عنوان یکی از مهم ترین عوامل در سیاست گذاری جهانی منجر شده است.

ب- اثرات منفی

جهانی شدن موجب فرار مغزها از کشورهای در حال توسعه شده است. فرصت‌هایی که در کشورهای پیشرفته موجود است استعدادها را از کشورهای فقیر به سوی خود می‌کشاند و این کشورها را دچار اضرار و خسران می‌نماید. به عنوان مثال، کشور هند سالانه متجاوز از ده میلیارد دلار بابت فرار مغزهای دانشجویان هندی متضرر می‌شود.

از نظر رقابت در بازار جهانی کار، جهانی شدن اثرات منفی بر کشورهای در حال توسعه داشته است.

کارکنان دانشی^۲ مانند مهندسان و کلا، مدیران، مشاوران، به خوبی می‌توانند در بازارهای جهانی رقابت کنند و دستمزدهای بالاتری را طلب نمایند، اما کارگران ساده از چنین امکانی برخوردار نیستند. در بسیاری از کشورهای فقیر کارگران موافقت می‌کنند در شعب شرکت‌های جهانی با دستمزدهایی کمتر از سطح دستمزد در کشورهای غنی و در شرایط کارگاهی نامناسب کار کنند.

به طور کلی مخالفان معتقدند که جهانی شدن در خدمت منافع شرکت‌های بزرگ و به ضرر شرکت‌های کوچک عمل می‌کند. در قلمرو سیاسی به نظر برخی از صاحب نظران، جهانی شدن موجب ظهور

مراکز تصمیم‌گیری جهانی نامرئی شده و به تهدید کشورهای ضعیف پرداخته است.

در عرصه فرهنگی و اجتماعی، جهانی شدن به عنوان یک خطر فرهنگی که همانندسازی سبک زندگی را در سطح جهان گسترش داده قلمداد شده است. عده‌ای بر این باورند که این هجوم موجب از بین رفتن ویژگی‌های بومی و فرهنگی در سطح کشورهای جهان می‌شود. برخی نیز معتقدند جهانی شدن جرم جنایت در سطح جهان را گسترش داده و از جمله بر میزان قاچاق انسان و به ویژه قاچاق زنان و کودکان افزوده است.

از منظر زیست محیطی، مخالفان جهانی شدن آن را به مصرف بی‌رویه و نسنجیده منابع متهم می‌کنند. به نظر آنها ظرفیت اکولوژیکی جهان پاسخگوی جاه طلبی‌های کشورهای جهان به ویژه آمریکا، اروپا، ژاپن، چین و هند نیست و روند فعلی قابل دوام نخواهد بود.

بدیل‌های جهانی شدن

با این که جهانی شدن از نظر برخی از افراد یک رویداد غیرقابل برگشت تلقی می‌شود اما گروه‌های کثیری نیز آن را به

چالش کشیده‌اند و بدیل‌هایی برای آن مطرح کرده‌اند. در اینجا توضیحات مختصری درباره این بدیل‌ها مطرح می‌شود:

الف- جنبش ضد جهانی شدن؛

ب- حامیان جهانی شدن اصلاح شده؛

ج- مدافعان توسعه پایدار.

الف- جنبش ضد جهانی شدن^۳

مدافعان جنبش ضد جهانی شدن جمعیتی متنوع و متکثرند که با هرگونه نهاد اقتصادی که در عرصه بین‌المللی فعالیت کرده و بخواهد نظام اقتصادی جهانی را متحدالشکل نماید مخالفت می‌نمایند. این گروه‌ها که به عنوان جنبش‌های ضد جهانی شدن اشتهار یافته‌اند شامل اکولوژیست‌ها، فعالان حقوق بشر، چپ‌گرایان، حامیان تنوع فرهنگی، مدافعان محلی‌گرایی گروه‌هایی از این قبیل می‌شوند.

جنبش ضد جهانی شدن در سال ۱۹۹۹ در شهر سیاتل آمریکا شکل گرفت. در این سال وقتی سازمان تجارت جهانی در نظر داشت طی نشست یک نظم اقتصادی نوین جهانی را به وجود آورد با تظاهرات جمعیتی حدود پنجاه هزار نفر مواجه شد. این رویداد موجب برهم ریختن جلسه مذکور شد و به عنوان اولین پیروزی مخالفان جهانی شدن قلمداد گردید. از دیگر تظاهرات عمده جنبش ضد جهانی شدن می‌توان به آشوب‌های گروه‌های یاد شده در پراک (سپتامبر ۲۰۰۰)، داوس (فوریه ۲۰۰۱)، جنوا (ژوئیه ۲۰۰۱) و ورشو (اوت ۲۰۰۴) اشاره کرد.

ب- دیدگاه جهانی شدن تعدیل یافته^۴ (اصلاح شده)

با ظهور جنبه‌های مثبت جهانی شدن و همچنین با توجه به بی‌نتیجه بودن اقدامات جنبش‌های ضد جهانی شدن، تظاهرات و آشوب‌ها تا حدودی کاهش یافت و جنبش جدیدی به وجود آمد که هدف آن مخالفت با ابعاد صرفاً اقتصادی و بی‌توجهی به حساسیت‌های اجتماعی بوده است. این جنبش به جای اتخاذ موضع خصمانه، جهانی شدن را با چهره انسانی می‌پذیرد. مروجان این دیدگاه، نهادهای صلح طلب، اکولوژیست‌ها، و مخالفان نئولیبرالیسم هستند که معتقدند جهانی شدن نئولیبرال باید تعدیل شود، حقوق بشر را تعمیم دهد، هدفش خدمت به مردم باشد و حقوق کارکنان را مورد شناسایی قرار دهد. این جنبش با همانندسازی اجتماعی مخالف است و از کلیه جنبش‌های محلی پشتیبانی می‌کند. از شعار جهانی بیندیش و محلی عمل کن حمایت می‌کند. در عین حال که از فرصت‌های جهانی شدن بهره می‌گیرد (مانند ارتباطات سریع، تبادل سریع اطلاعات و...) رنگ محلی خود را نیز از دست نمی‌دهد.

3 Antiglobalism

4 Alterglobalism

2 Mindworkers

به نظر حامیان این جنبش، جوامع جهانی - محلی بهترین نوع سازمان‌های اجتماعی هستند که استفاده از مدرنیته را تضمین می‌کنند و هم‌زمان سنن محلی (منطقه‌ای، نژادی، ملی) و الگوها و ارزش‌های خود را نیز حفظ می‌نمایند.

ج- دیدگاه توسعه پایدار

عقلانی‌ترین بدیل برای جهانی‌شدن و ایدئولوژی نئولیبرال آن، ایده توسعه پایدار است. فلسفه وجودی و دلیل عمده این دیدگاه، ضرورت توجه به سه موضوع عمده و مرتبط به هم در جهان امروز است: توسعه اقتصادی، پیشرفت اجتماعی و ارتباط با محیط طبیعی. باتوجه به این که نگارنده، دیدگاه توسعه پایدار را مناسب‌ترین دیدگاه در بحث توسعه می‌داند در این زمینه توضیحات بیشتری را مطرح می‌کند.

تاریخچه و تعریف توسعه پایدار

در سال ۱۹۸۷ خانم گرو برانتلند^۵ نخست‌وزیر نروژ، برای توسعه جهانی از عبارت توسعه پایدار استفاده کرد و آن را توسعه‌ای اعلام کرد که آینده را با خطر مواجه نکند. از آن زمان به بعد موضوع توسعه پایدار مبنای مباحثات فراوان قرار گرفت و متخصصان و صاحب‌نظران درباره آن بسیار گفتند و نوشتند. در دو دهه اخیر که رشد شتابان جهانی‌شدن در سراسر گیتی موجب افزایش روبه‌رشد مصرف منابع و خسارت‌های غیرقابل جبران به اکوسیستم‌های طبیعی شده است. توسعه پایدار بیشتر موردتوجه قرار گرفته است.

توسعه پایدار توسعه‌ای است که علاوه بر توسعه و تعالی زندگی نسل حاضر به حمایت از نسل‌های آتی نیز عنایت دارد و بر اساس آن، شرایط انسانی و وضعیت محیطی و اکوسیستمی به طور هم‌زمان موردتوجه قرار می‌گیرد. توسعه پایدار بر فلسفه پایداری مبتنا دارد. پایداری به توانایی سیستم برای کارکرد در آینده نامحدود اطلاق می‌شود و وضعیتی است که در آن وضعیت، مطلوبیت و امکانات موجود در طول زمان کاهش نمی‌یابد و منابعی که سیستم برای انجام فعالیت‌های خود به آنها وابسته است رو به ضعف نمی‌گذارد.

توسعه پایدار نیز مجموعه اقداماتی است که باتوجه به فلسفه پایداری هدایت می‌شود. در این نوع از توسعه، اقدامات و فعالیت‌ها به طور مداوم از منظر اصول پایداری بررسی می‌شود و مورد تجدیدنظر قرار می‌گیرد، به نحوی که برای خیر جمعی جامعه و حفاظت از منابع، به گونه‌ای عالمانه و آگاهانه تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی شود و تصمیمات متخذه به مرحله اجرا درآید.

5 Gro Brandtland

توسعه پایدار بر یکپارچگی اقتصادی - محیطی، حفاظت محیطی، تعهد بین نسل‌ها و عدالت درون نسلی و بین‌نسلی، کیفیت زندگی و مشارکت آحاد جامعه در فرایند توسعه مبتنا دارد و زمانی عینیت می‌یابد که اولاً کیفیت زندگی انسان را بهبود بخشد و ثانیاً قابلیت زیست‌کره زمین را حفظ کند. در مورد ارتقای کیفیت زندگی انسان، سیاست‌های توسعه باید به گونه‌ای تدوین شود که زمینه تعالی همه آحاد جامعه را فراهم آورد؛ سلامت جسم و روان آنها را تدارک ببیند؛ امکانات آموزشی، پرورشی، بهداشتی و رفاهی را در حد یک استاندارد شایسته زندگی در اختیار انسان بگذارد؛ امنیت سیاسی، اقتصادی و قضایی را برای او تأمین نماید به صورتی که روابط انسانی مناسب بین افراد خانواده‌ها و درکل جامعه در سطوح محلی و سازمانی و ملی برقرار گردد. درمورد محافظت از قابلیت زیست‌کره زمین، توسعه‌ای مدّ نظر است که بر اساس آن سیستم‌های پشتیبان زندگی و فرایندهای اکولوژیک که موجب تداوم چرخه عناصر اساسی (هوا، آب، خاک و ...) می‌شوند و همچنین تنوع گونه‌های زیستی حفظ شود؛ پایداری منابع تجدیدپذیر تضمین گردد؛ مصرف منابع تجدیدناپذیر به حداقل برسد و محدوده ظرفیت تحمل زمین و اکوسیستم رعایت شود. به این ترتیب توسعه پایدار را می‌توان مدیریت روابط سیستم‌های انسانی و اکوسیستم‌های طبیعی به منظور استفاده پایدار از منابع در جهت تأمین رفاه نسل‌های حال و آینده تعریف کرد. در برنامه‌ریزی توسعه پایدار پرسش‌هایی درباره چگونگی اثرات یک سیستم بر سایر قسمت‌ها مطرح می‌شود و همچنین این پرسش اساسی که آیا تعامل بین سیستم‌های موجود به کارایی و اثربخشی بیشتر منجر می‌شود یا خیر موردتوجه قرار می‌گیرد.

ابعاد توسعه پایدار

توسعه پایدار دارای چهار بعد اساسی است و تحقق آن منوط به همکاری نزدیک دولت، بخش خصوصی و نهادهای مدنی است. ابعاد چهارگانه توسعه پایدار عبارت‌اند از: ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی. بعد اجتماعی به رابطه انسان با انسان‌های دیگر، اعتلای رفاه افراد، بهبود دسترسی به سلامت و بهداشت و خدمات آموزشی، توسعه فرهنگ‌های مختلف و برابری و فقرزدایی عنایت دارد. بعد اقتصادی با متغیرهای اقتصادی مرتبط است و در آن رفاه فرد و جامعه باید از طریق استفاده بهینه و کارایی منابع طبیعی و همچنین توزیع عادلانه منابع حاصله، تا حد اکثر ممکن ارتقا یابد. بعد زیست‌محیطی با حفاظت و تقویت پایه منابع فیزیکی و بیولوژیکی و اکوسیستم مرتبط است و به رابطه بین

طبیعت و انسان می‌پردازد. بعد سیاسی نیز به قوانین، سیاست‌ها، برنامه‌ریزی، بودجه‌بندی، نهادسازی، تنوع و تکثرگرایی، احترام به حقوق انسانی و مشارکت مؤثر مردم در فرایندهای تصمیم‌گیری توجه دارد و به تنظیم وضعیت و شرایط لازم برای تلفیق هدف‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی و ایجاد رابطه مبادله بین آنها برای رسیدن به توسعه پایدار می‌پردازد.

اولویت نسبی که به ابعاد مختلف توسعه پایدار داده می‌شود در هر کشور، جامعه، فرهنگ و حتی در هر موقعیت و در طول زمان، متفاوت است. به همین دلیل درحالی‌که توسعه پایدار یک چالش جهانی است، راهکارهای عملی فقط می‌تواند به صورت ملی، محلی و بومی تعریف شود. رویکردهای توسعه پایدار انعکاسی از تنوع چالش‌های اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و سیاسی است که کشورهای مختلف با آن مواجه‌اند و تفسیرهای متعدد و مختلف از توسعه پایدار از ارزش‌ها و علائق مختلف در جوامع مختلف مشتق می‌شود.

تصویری از واقعیت‌ها

هر موجودی در طبیعت دارای جایگاه ویژه‌ای است و برای ایفای وظیفه خاصی پدیدآمده است. انواع موجودات و گونه‌های زیستی تا حدود زیادی تحت تأثیر الزامات محیطی خود هستند و در محدوده آشیان اکولوژیک خود محصور شده‌اند. منظور از آشیان اکولوژیک، تمام مشخصه‌های فیزیکی، شیمیایی و محیطی است که موقعیت یک ارگانیسم را مشخص می‌کند و در وضعیت خارج از مشخصه‌های مذکور، ارگانیسم با مشکلاتی مواجه می‌شود که ممکن است به نابودی آن منجر شود.

انسان در سیر تمدنی خود و به مدد پیشرفت تکنولوژی آن‌چنان قدرتمند شد که به رهایی اکولوژیکی دست‌یافت، خروج از آشیان اکولوژیک برایش میسر گردید و خود را ارباب محیط و طبیعت تصور کرد و هرآنچه که در چنته طبیعت بود را از آن خود پنداشت. در این فرایند فراموش کرد که او هم صرفاً جزئی از اجزاء پرشمار نظام طبیعت است و ملزم است رابطه معقول و متعادل را با سایر اجزای موجود در جهان هستی برقرار کند. ناگفته نماند که این فراموشی برایش بسیار گران تمام شده است. توجه افراطی به رشد اقتصادی از یک سو و عطش پایان‌ناپذیر مصرف از سوی دیگر، در اغلب کشورهای جهان موجب اضمحلال منابع طبیعی شد.

دخالت‌های بی‌رویه و نسنجیده بشر نظم حاکم بر اکوسیستم را مختل کرد و تحمیل پسماندها و ضایعات انبوه بر طبیعت، بسی فراتر از آستانه تحمل آن، قانونمندی‌های طبیعت را به بازی گرفت.

در نتیجه، نظام برنامه‌ریزی شده طبیعت از پاسخگویی به این حجم عظیم عاجز ماند. چنین بود که مجموعه رفتارهای تخریبی بشر در سه سده گذشته، طبیعت را عاصی کرد تا حدی که در سالیان اخیر، در گوشه‌وکنار جهان اثرات این عصیان و نمودهای اعتراضی آن را به کرات شاهد بوده و هستیم.

در گزارش توسعه هزاره سازمان ملل متحد که با مشارکت نمایندگان دولت‌ها، تشکلهای غیردولتی، دانشگاهیان و نمایندگانی از جوامع محلی تهیه شده است، شرکت‌کنندگان، اثرات تغییرات اکوسیستمی را در رفاه بشر مورد بررسی قرار دادند. بر اساس این گزارش، تمامی افراد بشر برای برخورداری از یک زندگی خوب، سالم و ایمن، بر اکوسیستم‌ها متکی هستند. قرن‌های متمادی است که طبیعت نیازهای انسان‌ها را در مورد غذا، آب، هوا و انرژی تأمین کرده است. اما در حال حاضر به دلیل زیاده‌روی‌هایی که در استخراج منابع طبیعی صورت گرفته، ظرفیت و توانایی سیاره برای تأمین نیازهای بشری به شدت تضعیف گردیده است. یافته‌های این بررسی تصویری ناخوشایند را از وضعیت موجود ارائه می‌دهند: کاهش خدمات اکوسیستمی، افزایش تغییرات آب‌وهوایی، افزایش بحران‌ها و بلایای طبیعی، مشکلات روبه‌تزايد ناشی از آلودگی‌های مختلف و تشدید شتاب انقراض انبوه در گونه‌های زیستی، به‌طوری‌که انواع گونه‌های زیستی با سرعتی بیش از هزار برابر سرعت طبیعی در حال انقراض هستند. بدیهی است که روندی این‌چنین شتابان در نهایت به ناپدید شدن خود انسان‌ها نیز منجر خواهد شد.

بانک توسعه آسیایی با بحرانی خواندن مشکل محیط‌زیست در این قاره اعلام کرده است که زندگی آسیایی‌ها رو به تهدید است. بنا بر گزارش بانک توسعه آسیایی وضعیت محیط‌زیست در آسیا و بی‌توجهی به آن اقتصاد کشورهای این قاره را تهدید می‌کند. طبق این گزارش، از ۱۵ شهر جهان که آلوده‌ترین شهرها از نظر زیست‌محیطی هستند، ۱۲ شهر در آسیا قرار دارد. جنگل‌های منحصربه‌فرد این قاره در حال نابودی هستند و زیان‌های بسیار بر منابع غنی و گوناگون دریایی آسیا وارد می‌شود.

بانک توسعه آسیایی به دولت‌های آسیایی هشدار داده است که هر چه زودتر خود را برای مقابله با این وضعیت وخیم آماده کنند. در کشور ما نیز مصادیق فراوانی از بی‌توجهی به حفاظت از محیط‌زیست وجود دارد. نمونه‌ای از شمال کشور، آتش‌سوزی در جنگل‌های گلستان است که به کرات در حوزه‌های گرگان، مینودشت، علی‌آبادکتول و جنگل‌های هم‌جوار رخ می‌دهد و منابع غنی و ارزشمند زیست‌محیطی کشور را به نابودی می‌کشاند. نمونه

دیگر از جنوب کشور، خسارات زیست محیطی در منطقه عسلویه است که در اثر توسعه میدان گاز پارس جنوبی (که البته از نظر اقتصادی امری ناگزیر است) پدید آمده است و وجود مشعل های متعدد در فازهای ده گانه و مجتمع های پتروشیمی، نشت گازهای گوناگون، تخلیه پسماندهای صنعتی، تهدید پوشش گیاهی طبیعی، خشک کردن دریا و غیره موجب برهم خوردن نظم و تعادل اکولوژیک منطقه شده است.

بر اساس اصل ۵۰ قانون اساسی حفظ محیط زیست برای نسل های آینده یک وظیفه عمومی قلمداد شده است و طبق مفاد برنامه های سوم و چهارم توسعه، تخریب محیط زیست، یک جرم تلقی می شود. رعایت این الزامات، مداخله هدف دار و مدبرانه ای را در فرایند توسعه می طلبد که هم زمان کشور را به سوی توسعه سوق دهد و در عین حال میزان خسارات را به حداقل برساند.

نتیجه گیری

مفهوم واقعی جهانی شدن، افزایش وابستگی متقابل بین کشورها است. ما در جهانی زندگی می کنیم که از سویی بسیار کوچک و یکپارچه و از سوی دیگر بسیار بزرگ و متنوع است. جهان مالکیت واحدی است که هرگونه کم و زیادی در هر یک از اجزای آن بر سایر اجزای متشکّلش تأثیر می گذارد و قایمی که در کشورهای شمال اتفاق می افتند. سرنوشت کشورهای جنوب را تحت تأثیر قرار می دهند و رویدادهای کشورهای شرقی، آینده کشورهای غربی را رقم می زنند. به قول آنتونی گیدنز، جهانی شدن در واقع به معنای درهم گره خوردن رویدادهای اجتماعی و روابط اجتماعی سرزمین های دوردست با تاروپود موضعی یا محلی جوامع دیگر است.

انتقال سریع و آسان سرمایه، جریان بی وقفه اطلاعات و آلوده شدن روزافزون افراد در سراسر جهان، موجب انتقال بحران های اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی و اجتماعی از یک کشور به سایر کشورها می شود و انجام فعالیت های مختلف تولید در نقاط پراکنده جغرافیایی نیز بر وابستگی کشورها به یکدیگر می افزاید.

بنا بر آنچه گذشت، جهانی شدن سرنوشت محتوم آینده بشریت است. حال پرسش اساسی این است که چگونه می توان از فرصت ها و امکانات برآمده از روند جهانی شدن بهره گرفت و با تهدیدهای ناشی از این رویداد، مواجهه عقلانی و حساب شده انجام داد. به عبارت دیگر چگونه می توان به جای رهاسازی مهار جهانی شدن، ضمن اتخاذ دیدگاهی راهبردی و عقلانی، به اعمال نفوذ در روند جهانی شدن پرداخت و آن را در مسیر توسعه پایدار هدایت کرد.

در این زمینه پیشنهادهایی مطرح می شود که امید است با کاربری آنها حرکت به سوی توسعه پایدار تسریع و تحقق هدف های آن تسهیل شود.

پیشنهاها

۱- ضرورت مدیریت فرایند جهانی شدن

روند فعلی جهانی شدن در خلاف جهت مبانی و فلسفه اساسی توسعه پایدار حرکت می کند. این روند نمی تواند تداوم داشته باشد زیرا از یک سو فاقد چهره انسانی است و از سوی دیگر مخرب محیط زیست و مغایر با هنجارهای پایداری است. چنانچه این روند با همین وضع ادامه یابد به طور حتم بحران زا شده و ما را به ورطه نابودی خواهد کشاند.

از این رو لازم است که به آن افسار زده شود و تحت کنترل قرار گیرد. کشورها و شرکت های بزرگی که در حال حاضر در عرصه جهانی به تاخت و تاز مشغول هستند و از مزایای فرایند جهانی شدن منتفع می شوند باید بدانند که این بهره ستانی ها موقتی است. تنها زمانی استمرار بهره گیری از جهانی شدن امکان پذیر می شود که با ارتقای همکاری های بین المللی همراه باشد. مجموعه جامعه جهانی باید با مشارکت فعالانه و آگاهانه بر روند جهانی شدن نظارت کند، بر جهت گیری های آن اعمال نفوذ نماید و با اعطای کمک های مالی و تخصصی به کشورهایی که از امکانات کمتری برخوردارند نظامی را مستقر کند که کل جامعه بشریت از ثمرات آن بهره برند. در غیر این صورت گستره نابرابری و محرومیت، سراسر جهان را فرا خواهد گرفت و تبعات منفی و ناخواسته آن خشک و تر را باهم خواهد سوزاند. مدیریت بر فرایند جهانی شدن باید باهدف همخوانی با هنجارهای توسعه پایدار انجام شود تا کلیه کشورهای جهان از نتایج آن مستفیض گردند.

۲- ریشه کنی فقر در سطح جهان

فقر یک مانع اساسی در تحقق هدف های توسعه پایدار است. فقر حاد در بسیاری از کشورهای در حال توسعه موجب تنزل کیفیت محیط زیست، تخریب جنگل ها و آسیب رسانی به منابع طبیعی شده است. یکی از صاحب نظران معتقد است که فقر، اقلیت های نژادی، مهاجران و پناهندگان از عوامل عمده تخریب محیط زیست هستند. به نظر وی دلیل عمده این تخریب نیز عدم توجه به نیازهای گروه های مذکور و

دسترسی نداشتن آنان به کانال های رفاهی و بهداشتی متداول است. اصولاً فقر و بدبختی در هر کجای جهان که باشد تهدیدی جدی برای رفاه و نیکبختی در هر جای دیگر خواهد بود و

در نهایت کل گیتی را به بحران خواهد کشاند.

۴- رعایت کارایی اکولوژیکی

کارایی اکولوژیکی در مورد به کارگیری منابع محیطی برای پاسخگویی به نیازهای انسانی مطرح می شود و حاصل تقسیم مجموع ارزش افزوده اقتصادی بر مجموع فشارها و اثرات زیست محیطی است. فلسفه اساسی کارایی اکولوژیکی تولید کالاها و خدمات بیشتر با مصرف منابع، ضایعات و آلودگی کمتر است. از منظر اکولوژیکی بهترین نوع تولید، تولید بدون پسماند است، همان گونه که در هزاران سال عمر نظام طبیعت، پسماند هر ارگانیسم خوراک ارگانیسم دیگر را تشکیل داده است و اصولاً پسماندی تولید نمی شود که بدون مصرف باشد. برای تحقق کارایی اکولوژیکی کلیه کشورهای جهان اعم از توسعه یافته و در حال توسعه باید این امر مهم را در استراتژی های تجاری خود بگنجانند و یافته ها و ابتکارات خود را در صرفه جویی منابع و کاهش آلاینده ها و پسماندها در اختیار سایرین قرار دهند. به این ترتیب الزامات توسعه پایدار در روند جهانی شدن لحاظ می شود و دغدغه کسب دستاوردهای کوتاه مدت و سود آبی جای خود را به تلاش برای حصول نتایج بلندمدت و بقای طولانی تر خواهد داد و این به نفع همه موجودات در جهان هستی خواهد بود.

۵- تدوین و اجرای قوانین جهانی

پویایی بی حدومرز تولید در جوامع صنعتی آنچنان ساماندهی شده است که ظهور نیازهای مادی جدید بسیار سریع تر از آماده سازی شرایط برای برآوردن آن نیازهاست. به قول اوتر اولریش، نظام صنعتی پیشرفته کنونی در حقیقت نوعی انگل خطرناک در سطح زمین است. انگلی که نظیر آن در هیچ یک از دوره های حیات کره زمین دیده نشده است؛ انگلی که به چپاول منابع طبیعی کره زمین می پردازد.

شرکت های جهانی در حال حاضر به صورتی عنان گسیخته دامنه فعالیت های خود را در هر گوشه جهان که سود بیشتری را عاید آنها سازد گسترش می دهند و از امکانات و منابع کل زیست کره بهره می گیرند. این عمل به جز با مرام منفعت طلبی، با هیچ ایدئولوژی و مکتب دیگری سازگار نیست. زمین و منابع آن متعلق به همه جهانیان است و کلیه موجودات باید از آن بهره مند شوند. متأسفانه این میراث جمعی بشریت، در حال حاضر مصروف پاسخ گویی به نیازهای پایان ناپذیری که به آرز تبدیل شده اند، می گردد. این روند تخریبی باید به وسیله همه جهانیان متوقف شود. پیتراکر در سال ۱۹۹۱ گفته است که بحث درباره نگرانی های اکولوژیکی جهان مستلزم عمل و قانون بین المللی است. نگارنده نیز در این زمینه معتقد است که باید در مقاوله نامه ها و توافق های جهانی

امحای فقر، مسئولیت مشترک همه کشورهاست. آنها که امکانات بیشتری دارند باید مسئولیت بیشتر بپذیرند. کشورهای توسعه یافته و ثروتمند و شرکت های بزرگ جهانی که از روند جهانی شدن بسیار منتفع شده اند نه تنها از نظر اخلاقی و انسانی مسئولیت دارند که نسبت به محو فقر تلاش کنند بلکه به خاطر بقای بلندمدت خودشان در جهان ناچارند به این مسئله اساسی بیندیشند. فقر معضلی جهانی است و راه حلی جهانی می طلبد. در این میان آنها که غنی ترند مسئول ترند؛ زیرا برای احراز موقعیت برتر خود، از محیط زیست جهانی بهره بیشتری گرفته اند.

از این رو لازم است که برنامه فقرزدایی در سطح جهان به گونه ای ریشه ای و اساسی اجرا شود و

سازمان های بین المللی، دولت ها، شرکت های جهانی، کلیه فعالان عرصه محیط زیست و باورمندان به فلسفه توسعه پایدار مسئولیت این امر مهم را بپذیرند و صادقانه و متعهدانه سهم خود را برای ریشه کنی فقر انجام دهند.

۳- احترام به قانونمندی های طبیعت

هرگاه انسان در طبیعت و مؤلفه های اساسی آن یعنی آب، هوا، خاک، صوت و دما مداخله نماید، به طریقی به توازن موجود در آن خدشه وارد می سازد. روند جهانی شدن باعث شده است که شتاب تخریب و عمق مداخله بشر در طبیعت افزایش یابد و به جای سازش با طبیعت به هجمه بر طبیعت و استثمار عنان گسیخته منابع آن تبدیل شود. امروزه روند تخریب طبیعت شدت یافته و نظام ارزش های مصرفی و مسابقه بین خواستن و داشتن تا عمق جوامع بزرگ و کوچک انسان ها رخنه کرده است. جست و جوی روزافزون برای کشف دارائی های طبیعت، تلاش بی وقفه برای رفاه بیشتر و فرهنگ مصرف پایان ناپذیر، همگی باعث مداخله افراطی بشر در طبیعت شده اند و تعادل و توازن محیط طبیعی را برهم زده اند تا بدان حد که هم اینک زندگی خود بشر نیز به مخاطره افتاده است. گرم شدن زمین، افزایش تغییرات آب و هوایی در سطح جهان، افزایش آلودگی های آب، خاک، هوا و انقراض سریع گونه های زیستی هشدارهایی از عدم تعادل در طبیعت هستند که توجه جدی ما را می طلبند. ما به خاطر بقای خود ملزم به توجه به هشدارهای مذکور و شناسایی باید ها و نبایدهای طبیعت هستیم. امروز دیگر فرصتی نمانده و در واقع بسیار هم دیر شده است. ما موظفیم از هم اکنون اطلاعات مبتنی بر واقعیت را مبنای عمل آگاهانه قرار دهیم، روند تخریب را معکوس کرده و به بازسازی محافظت از منابع طبیعی و محیط زیست خود پردازیم.

Wikipedia.

11- Gawor, Leszek(2008), 'Globalization and its alternatives: Antiglobalism, alterglobalism and idea of sustainable development', Sustainable Development, John Wiley & Sons, 16, 126-134.

12- Gills, Dong- Sook(2002), Economic globalization and women in Asia: Challenges and responses, London, Routledge, UNESCAP.

13- Giddens, Anthony (1990), The consequences of modernity, Cambridge, Polity Press.

14- Gilman-Robert (1996), Sustainability, URL, [www-context.org/ICIB/DEFS/AIADef.htm](http://www.context.org/ICIB/DEFS/AIADef.htm).

15- Gore, Al (1992), Earth in the balance, Chelsea Green, New York.

16- Henry, Jane, (2001), Creativity and perception in management, Walton Hall Publication.

17- Lucas, Manuela (2004), How can we make globalization work for sustainable development, Afrique PALOP: Developpement et mondialisation seminaire- Universite Libre de Bruxelles 1-2 mars.

18- Mendenhall, Mark et al. (1995), Global management, Massachusetts, Blackwell Publishers, USA.

19- OECD (2001), The DAC Guidelines, Strategies for sustainable development, Paris.

20- Pearce 11, John A. and Richard B. Robinson (2011), Strategic management, McGraw Hill International Edition, Singapore.

21- Perlmutter, Howard v. (1969), The tortuous evolution of the multinational corporations, Columbia Journal of world Business, In: International Management, by Paul W. Beamish et al., Illinois: Irwin, 1994.

22- Reich, Robert (1992), The work of the nations, preparing ourselves for 21st century capitalism, Alfred A. Knopf, Canada.

23- Zahedi, Shamsalsadat (2010), 'Green management an effective approach toward sustainable development', Innovators and Coastal Tourism Symposium, Rethinking Coastal Tourism Development: The Importance of Innovators in Times of Climate Change & Economic Crisis, Stanford University, USA.

به‌ویژه در قوانین تجاری، به‌میزی اکولوژیکی اولویت داده شود و سازوکارهای مناسبی، از قبیل لحاظ کردن هزینه‌های زیست‌محیطی در سیستم‌های مدیریت مالی و حسابداری و رسیدگی و ارزیابی مستمر فعالیت‌ها، فرایندها و تجهیزات مورد استفاده در سطح جهان پیش‌بینی شود و تمهیدات مؤثری نیز برای ضمانت اجرای مفاد قوانین مزبور فراهم گردد. این ضمانت‌ها باید به‌طور جدی اعمال شوند تا از ثروتی که با شتاب فزاینده‌ای رو به تحلیل است صیانت شود. زمان چندانی در اختیار نیست، باید فرصت باقیمانده را مدیریت کرد.

فهرست منابع

الف- منابع فارسی

- ۱- اولریش، اوتر (۱۳۷۶)، فناوری و تهدید حیات در سطح کره زمین، ترجمه ناصر موفقیان، فصلنامه رهیافت، شماره هفدهم، تهران، ایران.
- ۲- دفت، ریچارد ال (۱۳۷۷)، تئوری و طراحی سازمان، ترجمه علی پارسائیان؛ محمد اعرابی، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران، ایران.
- ۳- زاهدی، شمس السادات (۱۳۸۶)، توسعه پایدار، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران، ایران.
- ۴- همشهری، آتش برای چهارمین بار به جان جنگل‌های گلستان افتاد، شماره ۵۳۰۴، پنجشنبه ۹ دی ۱۳۸۹، تهران، ایران.

ب- منابع انگلیسی

- 5- Adler, N. and Ghadar, F. (1990), 'International strategy from the perspective of people and culture: The North American context', In: A. M. Rugman (Ed.) Research in global strategic management: Intercultural business research for the Twenty first century: Canada's new research agenda, Vol.1, Greenwich, Conn.: JAI Press.
- 6- Alam, Shaiста (2010), 'Globalization, poverty and the environment degradation: Sustainable development in Pakistan' Journal of Sustainable Development, Vol. 3, No. 3, September, 101-114.
- 7- Bhagwati, Jagdish N. (2005), In defense of globalization, New York: Oxford University Press.
- 8- Booming nations threaten Earth (2006), BBC News, January 12.
- 9- Farlex Financial Dictionary (2009), Farlex, Inc.
- 10- Francesco, Stipo, World Federalist Manifesto, Guide to political globalization, ISBN 978-0-9794679-2-9, worldfederalistmanifesto.com,

SabzRasaneh.ir

پایگاه خبری تخصصی محیط زیست

ما را در شبکه‌های اجتماعی دنبال کنید

 Tosesabz  Tosesabz  Tosesabz

تلفن: ۶۶۵۲۱۲۸۳ شماره مستقیم دبیرخانه: ۰۹۲۳۶۴۰۰۹۶۱۱۲ تماس با واتساپ و تلگرام: ۰۹۰۳۴۵۶۲۶۳۱